

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: ویکتور میخین  
برگردان: م. قربانی  
۰۸ جنوری ۲۰۲۴

## اروپا زیر یوغ تحمل‌ناپذیر و بار سنگین امریکا



دور تسلسل درگیری‌های اسرائیل و فلسطین، این قتل‌های عام جاری اسرائیل علیه تمام فلسطینیان در غزه، برای مدتی ادامه خواهد یافت و همچنان از فاجعه‌ای به فاجعه‌ای دیگر ختم می‌شود. اما در درازمدت، همه این رویدادها پی‌آمدهای منفی گزافی خواهد داشت که همه مردم غرب آسیا، از جمله اسرائیل، برای مدت طولانی آن‌را تجربه خواهند کرد. روزنامه تهران تایمز ایران می‌نویسد: «در حالی‌که هیچ طرفی در جهان از این فجایع سود نخواهند برد، "کشورهای اروپایی به ویژه بهای سنگین‌تری برای درگیری‌های جاری خواهند پرداخت."» هر چند رهبران کشورهای اروپایی از سرشت نادرست سیاست‌های امریکا آگاهند، آنان، مانند دست نشانندگان واقعی امریکا، مجبورند کورکورانه و بدون قید و شرط راه واشینگتن را دنبال کنند.

تاریخ نشان داده است که در موارد بسیاری کشورهای اروپایی بهای سیاست‌های اشتباه امریکا را در دو دهه گذشته پرداخته‌اند. یکی از نمونه‌های برجسته آن می‌تواند سیاست نادرست اروپا در قبال موضوع برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران باشد. تا سال ۲۰۱۲، کشورهای اروپایی از جمله مهم‌ترین، اگر نگوئیم بزرگ‌ترین، شرکای اقتصادی ایران بودند، و ایران بازار بسیار مهمی برای کالاهای اروپایی بود. ایرانی‌ها کالاهای الکترونیک و خودروهای المانی را به کالاهای مشابه کشورهای دیگر ترجیح می‌دادند. اما به خاطر تحریم‌های غیرقانونی امریکا علیه ایران، شرکت‌های اروپایی از بازار ایران خارج شدند و در نهایت بهای سنگینی را برای از دست دادن بازار بسیار سودآور و آینده‌دار ایران پرداختند. امروز، حضور اقتصادی کشورهای اروپایی و شرکت‌های آن‌ها در ایران تقریباً وجود ندارد. دومین

نمونه از این دست می‌تواند مداخله سنگین و گستاخانه آمریکا در امور داخلی کشورهای غرب آسیا در دو دهه گذشته باشد. غرب آسیا اگرچه واقعاً در صلح نبود اما در دهه ۱۹۹۰ و اوایل سال‌های ۲۰۰۰ در مجموع پایدار باقی ماند. از این رو کشورهای اروپایی در ارتقاء و بهبود همگرایی اقتصادی با همسایگان خاورمیانه‌ی خود بسیار جاهطلب بودند، زیرا وضعیت امنیتی قابل قبول بود. برنامه روند بارسلونا (اورومد) در سال‌های ۱۹۹۰، چنین برنامه‌ای بود برای همگرایی اروپا و همسایگانش در آن سوی مدیترانه. اما در دو دهه اول قرن ۲۱ اغلب شاهد دخالت‌های نظامی آمریکا در امور داخلی تعدادی از کشورهای غرب آسیا، از جمله عراق، افغانستان، لیبیا و سوریه بودیم. در نتیجه اقدامات نظامی مدام آمریکا، دولت‌ها و مردم در غرب آسیا بیش از دو دهه است که تحولات منطقه‌ی عظیمی را تجربه می‌کنند، و از هر حیث، آشفته‌ترین منطقه در جهان است.

کاملاً طبیعی است که تعداد چندی از بازیگران منطقه‌ی و غیر منطقه‌ی با ایالات متحده در زمینه‌های ستراتیژیک، ایدئولوژیک، سیاسی و اقتصادی اختلاف نظر داشته باشند. با این حال، این کشورهای اروپایی هستند که به طور جدی تحت تأثیر بی‌ثباتی قرار گرفته اند، چون آن‌ها همسایگان مجاور غرب آسیا هستند. جریان سیل پناهندگان بار اقتصادی و اجتماعی را افزایش داده و باعث ایجاد شکاف در سطوح داخلی و بین کشورهای اتحادیه اروپایی شده است و در آینده دور، آن‌ها با پی‌آمدهای منفی‌تری روبه‌رو خواهند شد، زیرا سیاستمداران اروپایی باید برای بقای خود مشکلات دشوارتری را حل کنند.

سومین نمونه، درگیری اخیر میان اسرائیل و فلسطین است. جنگ و قتل عامی که اسرائیل در نوار غزه به راه انداخته است، به یک فاجعه انسانی بسیار جدی منجر شده است، زیرا تا کنون بیش از بیست هزار فلسطینی کشته شده است که حدود دو سوم آن‌ها زن و کودک هستند و بیش از دو میلیون نفر آواره و بی‌خانمان شده اند. اگر جنگ ادامه یابد، فاجعه انسانی بیش‌تری رخ خواهد داد، هم برای مردم فلسطین و هم برای سایر مردم منطقه. احتمال ورود پناهندگان بیش‌تر به کشورهای اروپایی وجود دارد و مشکلات جدیدی را به اقتصاد آن‌ها خواهد افزود. با سفر برخی سیاستمداران اروپایی به اسرائیل برای نشان دادن حمایت خود از سیاست‌های افراطی تل ابیب، نارضایتی روزافزون مسلمانان این کشورها از این سیاستمداران برانگیخته شده است.

اختلافات جدیدی در اتحادیه اروپایی به وجود خواهد آمد، زیرا برخی از کشورها با کسانی که از سیاست ابلهانه اسرائیل برای نابودی فلسطینیان در نوار غزه حمایت می‌کنند، موافق نیستند.

به طور کلی، اگر با تاریخ آشنائی داشته باشیم متوجه می‌شویم که آمریکا در منطقه پیوسته دچار اشتباه شده است، ولی اروپایی‌ها دائماً هزینه گزافی برای آن می‌پردازند. سپس این پرسش مطرح می‌شود که آیا نخبگان اروپایی این سناریو و منطق پشت آن را درک می‌کنند؟ پاسخ به طور قطع «آری» است. در واقع، مفاهیم سیاسی گوناگونی که به ابتکار اروپا به وجود آمده به اندازه کافی نشان داده است که اروپایی‌ها به خوبی از مشکل نامبرده آگاهند. اما در عین حال آن‌ها به تکرار اشتباه خود ادامه می‌دهند، یا به قول این ضرب‌المثل روسی، آن‌ها باز هم پایشان را روی همان شن‌کیش می‌گذارند. برآستی اگر خدا بخواهد کسی را مجازات کند، عقلش را از او می‌گیرد.

در اوایل سال‌های ۲۰۰۰، رهبران اروپا مفهوم «دیپلماسی مذاکره» را پیش کشیدند، که به زعم آن‌ها به آنان اجازه می‌داد تا خاورمیانه را با رویکردی متفاوت از سیاست زور ایالات متحده شکل دهند. لذا در سال ۲۰۰۳، ژاک شیراک رئیس‌جمهور فرانسه و گرهارد شرودر صدر اعظم المان بشدت و قاطعانه با تجاوز و قیحانه آمریکا به عراق بر مبنای اسناد جعلی و فریب جامعه جهانی مخالفت کردند. اگرچه آن‌ها نتوانستند جنگ، یا بهتر است بگوئیم قتل عام شهروندان عراق را متوقف کنند، با گذشت زمان، معلوم شد که آن‌ها درست می‌گفتند.

در همان سال، وزرای خارجه سه کشور - فرانسه، المان و انگلیس - برای یافتن راهحلی برای موضوع توسعه صلح‌آمیز برنامه هسته‌ئی ایران از طریق دیپلماسی، در مخالفت با رویکرد تحریم اقتصادی و اعمال فشار نظامی، از تهران دیدن کردند. کوشش ترویجی اروپایی، اگرچه نتوانست مانع رویکرد تحریم‌های امریکا برای حل مسأله هسته‌ئی بشود، یک بار دیگر نشان داد که رویکردی درست بود.

در سال ۲۰۱۰، اتحادیه اروپایی مفهوم متفاوتی از «خودمختاری ستراتیژیک» را مطرح کرد، و این اصطلاح به معنای فاصله گرفتن از امریکا و کاهش وابستگی آن در امور امنیتی بود. اما، متأسفانه، در طول این دوران، اروپا به اندازه کافی برای جنبه‌های خودمختار سیاست خود تلاش نکرد. در عوض، برخی کشورهای اروپایی حتی در سیاستی که در نهایت به تضییع منافع اقتصادی و امنیتی آن‌ها منجر شد، همان‌طور که در بالا یادآور شدیم، در کنار ایالات متحده قرار گرفتند.

این درست است که مناسبات آتلانتیک با اروپا بر شالوده پیوندهای فرهنگی و تاریخی بوده و دیر زمانی است که تغییر نکرده است. اما از سوی دیگر، کشورهای اروپایی واقعاً منافع متفاوتی دارند. غرب آسیا همسایه نزدیک اروپا است، اما از ایالات متحده بسیار دور است و هر اتفاق ناگواری در خاورمیانه می‌تواند بر اروپا تأثیر منفی بگذارد. منطقاً نامعقول است که اتحادیه اروپایی همیشه از امریکا در تمام برنامه‌های مخاطره‌آمیزش حمایت کند.

افزون بر این، سیاست کنونی امریکا در قبال مناقشه اسرائیل - فلسطین با میلیون‌ها فلسطینی که اکنون مجبور به ترک خانه‌های خود شده‌اند، آشکارا عدالت را که باید یکی از اصول اساسی نظم بین‌المللی باشد، تضعیف می‌کند. ادامه چنین بحرانی نه تنها وجهه ایالات متحده، بلکه بیشتر از آن وجهه اروپا، همسایه خاورمیانه، را تضعیف خواهد کرد.

\*\*\*\*\*

برگرفته از: نیو ایسترن آوتلوک

منتشر شده در تاریخ: اول جنوری ۲۰۲۴